سنخ‌شناسی داعش جدید از نگاه یاسر قزوینی، استاد دانشگاه تهران

خطر تکفیری‌های فارسی‌زبان جدی است

صادق امامی
دبیرگروه جهان‌شهر

شب گذشته وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای پیرامون حادثه تروریستی سیزدهم دی ماه کرمان، اعلام کرد از دو تروریست معدوم انتحاری، یک نفر «ملیت تاجیکستانی» داشته است. در این اطلاعیه آمده هنوز «هویت تروریست دوم» به‌صورت قطعی احراز نشده است. ساعاتی پیش از انتشار این اطلاعیه، سیدیاسر قزوینی، عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران و از متخصصان تروریسم و داعش‌شناس، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به خطر تکفیری‌های فارسی‌زبان و تمرکز داعش روی آنها اشاره کرد. او با توجه به دو حادثه تروریستی در شاهچراغ که هر دو تاجیک‌تبار بودند، خواستار اتخاذ تدابیری برای مواجهه با عضوگیری داعش در این منطقه شد. در افغانستان این گروهک تروریستی در سال ۲۰۲۳ مسئولیت ۲۰ حمله را برعهده گرفته است. این رقم در سال گذشته ۱۴۵ حمله و سال ۲۰۲۱، (سال به قدرت رسیدن طالبان) ۲۹۳ عملیات در افغانستان بوده است. شاید بخشی از چرایی کاهش عملیات، ناشی از به هلاکت رسیدن «انجنیر عمر»، فرد شماره دو شاخه داعش خراسان در ۱۵ اردیبهشت توسط نیروهای اطلاعاتی طالبان بوده باشد. طالبان سه ماه بعد اعلام کرد «ثناءالله غفاری» ملقب به شهاب‌المهاجر، رهبر گروه داعش خراسان را در ولایت کنر به هلاکت رسانده است. پس از هلاکت رهبر داعش خراسان، این گروهک یک عملیات تروریستی در ایران را به اجرا گذاشت. البته هوشیاری یکی از عوامل حرم شاهچراغ، مانع از شهادت چندده نفر در این عملیات شد اما صرف‌نظر از ناکامی عامل تروریستی، اجرای آن بیانگر عزم داعش برای اجرای عملیات در ایران است. قزوینی معتقد است داعش در هر منطقه‌ای که امکان ورود داشته باشد، عملیات می‌کند. او معتقد است داعش از تمام فرصت‌ها در دوره ضعف خودش استفاده می‌کند تا حضور و وجود خودش را به نمایش بگذارد. به اعتقاد او یکی از عرصه‌های مورد توجه داعش، مناطق فارسی‌زبان، با توجه به رویدادهای تاجیکستان و افغانستان است. قزوینی از فیلم بیعتی می‌گوید که به زبان فارسی است: «قبلا هر فیلمی که از ولایت خراسان یا افغانستان می‌آمد افراد به زبان پشتو بیعت می‌کردند ولی فیلم بیعت با یک خلیفه داعش خراسان، به زبان فارسی بود. این خیلی مهم است.» متن گفت‌وگو با این استاد دانشگاه را در ادامه می‌خوانید.

شما در گفت‌وگوهایی با «فرهیختگان» بارها تاکید داشتید داعش تضعیف شده است و از این رو به سمت «حرب‌الاستنزاف» (جنگ فرسایشی) می‌رود. در یک‌سال اخیر ما تحرکاتی از داعش در ایران می‌بینیم که حتی در اوج داعش هم این تحرکات را تجربه نکردیم. این ناشی از راهبرد جدید داعش است یا متاثر از اتفاقات منطقه؛ که ما از آن غافلیم؟

این پرسش خیلی مهمی است. در استراتژی دوره اوج داعش ایران جایگاه ویژه‌ای نداشت و آنها بیشتر نگاه‌شان به سمت عملیات در غرب و پایتخت‌های غربی و مانند آن بود اما در یکی دو سال اخیر داعش در ایران فعال شده است. به نظر می‌رسد داعش استراتژی پیشین خودش یعنی «حرب الاستنزاف» و جنگ فرسایشی را دارد. در استراتژی حرب الاستنزاف در هر نقطه‌ای که امکان نفوذ وجود داشته باشد، آنها نفوذ می‌کنند. هر جایی که امکان ورود باشد، ورود می‌کنند. بنابراین می‌بینیم که نسبت به دوره اوج، مناطق دیگری را که مناطق نسبتا مستعدی برای عملیات است، انتخاب می‌کنند. داعش می‌خواهد به صورت هفتگی اینفوگرافیک خودش را که در آن آمار عملیات‌ها و آمار کشته‌ها را ارائه می‌دهد، منتشر کند تا از این طریق همچنان بر حضور و بقای خودش صحه بگذارد و بگوید من هنوز هستم. من می‌کشم، پس هستم. برای همین سمت آفریقا رفتند. در حال حاضر داعش در شمال شرق نیجریه فعال است. در حوزه دریاچه چاد. در شمال شرق کنگو در استان «کیووی شمالی» در مرز اوگاندا و همینطور در شمال شرق موزامبیک در استان «کابو دلگادو». در این مناطق مرزی چند هویت و قومیت حضور دارند. داعش این مناطق را برای عملیات و رشد بسیار مستعد می‌بیند. مثلا در آسیا در شمال شرق افغانستان منطقه کنر و در مرز پاکستان به ویژه بخش پشتون زبان بیشتر فعالیت می‌کرد.

یک بحث کلی می‌تواند این باشد که داعش در دوره جدید که دوره ضعف است، به سمت نقاطی رفت که بتواند در آنجا عملیات انجام دهد و از ضعف و رخوت و سستی آن مناطق برای عملیات استفاده کند. بنابراین بیشتر این مناطقی که داعش در آن حضور دارد، مناطق مرزی است. این مناطق، نسبت به مناطق مرکزی به لحاظ هویتی و تجهیزات و لجستیک و مسائل مختلف از سستی بیشتری برخوردار است و داعش می‌تواند آنجا سر برآورد. مساله دیگر، سیطره طالبان بر افغانستان است. از زمانی که طالبان سیطره خودش بر افغانستان را گسترش داد، اتفاقاتی در ولایت خراسان داعش افتاد. با توجه به اینکه طالبان بر گفتمان پشتون‌زبان خیمه انداخت و بر آن سیطره پیدا کرد، مقداری گفتمان پشتون زبان داعش به گفتمان فارسی دری تبدیل شد. این خیلی مهم است. برای همین می‌بینید تمرکز ویژه‌ای رسانه‌های داعش خراسان یا ولایت خراسان داعش بر روی زبان فارسی و به‌ویژه روی تاجیک‌ها پیدا کردند. حتی محتواهای رسانه‌ای که به خط «سیریلیک» (خط سیریلیک یا خط اسلاوی، یک نوشتار الفبایی است که در سراسر اوراسیا به عنوان نوشتار ملی در کشورهای مختلف اسلاو، ترکی، مغولی و ایرانی زبان در جنوب شرق و شرق اروپا، قفقاز، آسیای میانه، شمال و شرق آسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد.) است، در چند وقت اخیر زیاد شده است. داعش روی یک منطقه بسیار مهم مثل تاجیکستان متمرکز شده است. تاجیکستان دارای یک حاکمیت مستبد و کاملا بی‌قید و بند است. امامعلی رحمان، رئیس جمهور تاجیکستان یک مستبد به تمام‌عیار است که حتی با صدام و سایر دیکتاتورها قابل مقایسه نیست. او کاملا ضددین است و به‌صورت جدید با دین مقابله می‌کند. این وجوه را متاسفانه ما نمی‌بینیم. این وضعیت در بین جوانان تاجیک یک واکنش ایجاد کرده است. بسیاری از جوانان، به سمت اسلام‌گرایی رفتند. همین چند وقت پیش وزیر یا مسئول جوانان تاجیکستان، جوانان را از داشتن ریش برحذر داشت. او سخنان خیلی عجیب‌وغریبی زد که چه نگرانی‌هایی وجود دارد درباره ریش داشتن یک جوان. آنجا ریش داشتن هم ممنوع است.

جوانان تاجیک از یک سمت طالبان را می‌بینند که بر روی افغانستان خیمه زد و از سمت دیگر با حاکمیت ضددین با گفتمان پوپولیستی ضددینی امامعلی رحمان مواجه هستند. این یک سمت است و سمت دیگر اسلام‌گراها در افغانستان پیروز شدند. بالاخره این جوانان تاجیک امیدی در افغانستان پیدا کردند. در چنین وضعیتی داعش تاجیک و فارسی‌زبان خودش را گسترش داد. از سوی دیگر طالبان هم درگیر وضعیت گرفتاری‌های خودش است. داعش از فرصت استفاده کرد و بسیاری از این تاجیک‌ها را جذب کردم. شما عملیات اول و دوم شاهچراغ را به خاطر دارید که هر دوی آنها را دو تاجیک انجام دادند. پس داعش از تمام فرصت‌ها در دوره ضعف خودش استفاده می‌کند تا حضور و وجود خودش را به نمایش بگذارد. یکی از این عرصه‌ها، مناطق فارسی‌زبان با تاکید روی فارسی و با توجه به رویدادهای تاجیکستان و افغانستان است.

متاسفانه در دوره جدید در ایران هم نمی‌توانیم بگوییم دوره قوی‌ای است. ما در دوره قدرت به سر نمی‌بریم. بنابراین داعش از تمام باگ‌هایی که در کشور وجود دارد، استفاده می‌کند و وارد می‌شود. این با توجه به شیوه عملیات‌هایی که دارند چندان سخت نیست. یعنی اگر شما بخواهید تعداد زیادی انسان را بکشید، کار خیلی سختی ندارید. برای داعش عملیات در ایران خیلی مهم است. داعش در نیجریه، کنگو یا موزامبیک هم عملیات انجام می‌دهد ولی خیلی برایش مهم است که در ایران هم عملیات انجام دهد؛ ایران به عنوان دیگری یا آن دشمنی که اساسا به عنوان دشمن اهل سنت قلمداد می‌شود. به نظر من این یک زمینه است. از سوی دیگر مهاجرت‌هایی که از افغانستان به ایران رخ داده، مساله مهم و عجیب‌وغریبی است. به نظر می‌رسد رسیدن این افراد به ایران و سپس تجهیز و اقامت در ایران از رهگذر کلونی‌های مهاجری که در ایران وجود دارد، شاید اجرای عملیات را بسیار ساده‌تر کرده باشد. از این رو ما شاهد افزایش عملیات‌های داعش در ایران هستیم.

در حادثه تروریستی مجلس شورای اسلامی، تروریست‌های داعش از غرب کشور بودند. پس از آن و به ویژه در یک سال گذشته تدابیر امنیتی در غرب کشور به شدت تقویت شد. تحولات در شرق مثل قدرت گرفتن طالبان و تمرکز داعش روی فارسی‌زبانان و احتمالا باگ‌هایی که در شرق داریم در اتفاقات اخیر نقش داشته است یا این وضعیت ناشی از تقویت داعش خراسان است؟

در مسائل امنیتی به‌صورت جزئی تسلط ندارم ولی یک رابطه مستقیم وجود دارد بین توجه داعش به یک جغرافیا و افزایش عملیات‌ها در آنجا. در دوره حمله داعش به مجلس شورای اسلامی، گفتمان کردی داعش قدرتمند بود. گفتمان عربی داعش گفتمان قدرتمندی بود و همین گفتمان باعث شکل‌گیری سمپات‌ها و هواداران در میان کردها و عرب‌ها برای داعش شد. این هواداران و هواخواهان می‌توانند به عناصر عملیاتی تبدیل شوند و عمل کنند. با افول داعش گفتمان رسانه‌ای رسمی داعش هم افول کرد. داعش شاید سالی یک فیلم از طریق رسانه‌های رسمی منتشر می‌کند. مسائلی که اشاره کردید درست است. با توجه به اینکه تمرکز نیروهای امنیتی به سمت غرب کشور رفت، نفوذ داعش رفع و رجوع شد اما در شرق ما حوادث [ناآرامی] سال گذشته را داشتیم. به هر حال یکی از کانون‌های حوادث سیستان‌وبلوچستان بود. این مساله را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. سست شدن مسائل در مقایسه با خوزستان و حتی کردستان کاملا روشن است. این یک زمینه برای این اقدامات است.

از آن طرف رسانه‌های غیررسمی فارسی‌زبان و تاجیک زبان مثل موسسه رسانه‌ای العزائم و حدید که به تازگی ظهور کرده است، محتواهای رسانه‌ای به زبان فارسی تولید می‌کنند. موسسه رسانه‌ای العزائم به عنوان یک موسسه غیررسمی داعشی پیش‌تر تولیدات خود را به زبان پشتو ارائه می‌کرد ولی نگاه نسبتا ویژه‌ای نیز به زبان فارسی و تاجیکی دارد و نه‌تنها تولیداتی به فارسی و تاجیکی دارد بلکه تولیدات رسانه‌ای رسمی داعش را نیز به دو خط فارسی و سیریلیک تاجیکی ترجمه و منتشر می‌کند. به همین نسبت احتمالا کنشگران، فعالان و افرادی که بتوانند افراد دیگر را در میان تاجیکان و فارسی‌زبانان جذب کنند، افزایش پیدا کرده است. داعش به صورت سیستماتیک دارد به سراغ فارسی‌زبانان و تاجیک زبانان می‌رود. یک مثال برای شما می‌زنم. خلفای داعش امروزه خیلی دوام نمی‌آوردند. هر شش ماه یک‌بار خلیفه کشته می‌شود. معمولا هر بار که خلیفه جدید بر سر کار می‌آید، ولایت‌های داعش با او بیعت می‌کنند و فیلم‌های بیعت را می‌فرستند. قبلا هر فیلمی که از ولایت خراسان یا افغانستان می‌آمد افراد به به زبان پشتو بیعت می‌کردند. یادم نیست کدام یک از خلفا بود ولی فیلم بیعتش که منتشر شد به زبان فارسی بود. این خیلی مهم است. یعنی توجه بیشتر داعش به فارسی‌زبانان را نشان می‌دهد و اینکه سیستماتیک از رهگذر بازوهای رسانه‌ای غیررسمی که آنها هم قابل بررسی هستند، روی آنها کار می‌کنند. اینگونه شد که تمرکز عملیات‌ها از غرب به سمت شرق آمده است.

داعش تضعیف شده است و طبیعتا نیروی زیادی ندارد. در چنین شرایطی به تعبیر ما، این گروهک از نیروهایش می‌خواهد که «برود؛ بجنگد و برگردد.» سوال من درباره قاعده‌مندی داعش و استفاده محدود از نیروهایش است. در عملیات ۴ آبان ۱۴۰۱ در حرم شاهچراغ شیراز تنها یک نفر را به کار گرفت درحالی‌که توان بیشتری داشت. در عملیات دوم در شاهچراغ در ۲۲ مرداد ۱۴۰۲ نیز تنها یک نفر به کار گرفته شده و اعلام شد این عملیات برای انتقام از اعدام عاملان حادثه چهار آبان بوده است. در اینجا سوالات دیگری نیز به وجود می‌آید. داعش اگر توان دارد چرا آن را در ابتکار به کار نمی‌گیرد و آن را برای انتقام می‌گذارد؟ اگر دو عامل در چهار آبان اقدام می‌کردند تعداد کشته‌ها بیشتر نبود؟

الان داعش در دوره ضعف است. می‌دانید که عامل عملیات شاهچراغ، کمربند انتحاری ندارد. اینکه کمربند انتحاری ندارد احتمالا به این دلیل است که لجستیک آن وجود نداشته و یا امنیت ساختن بمب در شیراز یا تهران و یا انتقال آن را نداشتند. این هم هست. نفر دوم را می‌بینید که به نظر آموزش‌دیده نبود. هرچند حفاظت و حراست شاهچراغ هم خوب عمل کرد و در این هم شک و شبهه‌ای نیست ولی عامل عملیات هم کارکشته نبود. بالاخره الان داعش در دوره ضعف است و دارد از آن چیزی که می‌تواند در حد خودش استفاده می‌کند. داعش بر ضعف خودش واقف است و از این رو نمی‌خواهد نیروهای زیادی را از دست بدهد. عملیات‌های انتحاری در کل جهان و مناطق داعش دیگر وجود ندارد. فقط در افغانستان در اوایل تسلط طالبان تا یک‌سال و اندی، عملیات انتحاری انجام می‌شد. این نشان از آن دارد که در افغانستان از نیروی خوبی هم برخوردارند که عمدتا آنها هم تاجیک هستند. گویا تاجیکستان تبدیل به یک منبع داعش‌سازی شده است. انگار که نیروهای زیادی آنجا هستند، برای همین شما می‌بینید به راحتی عملیات انتحاری انجام می‌شد. ولو در هر صورت داعش در دوره ضعف است و در این شک و شبهه‌ای وجود ندارد. بنابراین نه به لحاظ لجستیک و نه به لحاظ نفرات، نمی‌توانند خیلی تحرک داشته باشد. این گروهک تحرکاتش را به همان اندازه‌ای که می‌تواند، پیش می‌برد.

برخلاف شاهچراغ، در کرمان دو عامل انتحاری در میدان حضور داشتند. جدا از این، ما با تجهیزاتی مواجهیم که کمتر از آن شنیده‌ایم، یعنی جلیقه یا مواد انفجاری به همراه ساچمه و براده‌های آهن برای گرفتن تلفات حداکثری. استفاده از این شکل از بمب‌ها رویه داعش بوده یا فقط در ایران می‌خواست تلفات زیادی بگیرد؟

ما با عملیات‌های دو زمانه مواجه هستیم. داعش از این عملیات‌ها زیاد داشته است. در دو یا سه سال اخیر اکثر عملیات‌های داعش دو زمانه است و هرچه ضعیف‌تر شد، تعداد عملیات‌های دو زمانه کمتر شد، حتی در کمین هم از عملیات دو زمانه استفاده می‌کرد، مثلا کمین می‌زدند و از بمب جاده‌ای استفاده می‌کردند یا کمین می‌زدند، وقتی نیروهای کمکی می‌رسیدند، بمب را منفجر می‌کردند، حتی عملیات دو زمانه روی اجساد در عراق انجام می‌دادند، مثلا یک نفر را شهید می‌کردند و پیکرش را بمب‌گذاری می‌کردند تا وقتی بخواهند پیکر را انتقال دهند، دوباره انفجار رخ دهد. من ندیدم گروه‌های تروریستی دیگر که در منطقه کار می‌کنند از عملیات‌های دو زمانه اینقدر استفاده کرده‌اند. داعش و در عراق و افغانستان زیاد از این عملیات‌ها استفاده کرده‌اند. در افغانستان داعش- به‌ویژه در انفجارهایی که در مساجد و حسینیه‌های شیعه انجام می‌داد- از این روش استفاده کرد، به‌عنوان مثال در انفجار قندهار دو انتحاری بودند که سلاح هم داشتند. هر دو در دو نقطه مختلف از مسجد خودشان را منفجر کردند، البته اگر به تصاویر انفجارها در مناطق مختلف نگاه کنید، معمولا با بدن‌های تکه‌تکه‌شده مواجه می‌شوید. این با آنچه در کرمان با آن روبه‌روییم، متفاوت است. در کرمان بدن‌ها تکه‌تکه نشدند. عمدتا ترکش‌های بسیار ریزی می‌بینیم که بیشتر به بالاتنه افراد اصابت کرده ولی من یادم نمی‌آید انتحاری اینطوری زده باشند. باید کمی جست‌وجو کرد ولی مساله این است که الان در کانال‌ها و سایت‌های خودشان آموزش ساخت بمب را نشان می‌دهند و به‌شدت هواداران‌شان را برای یادگیری ساخت بمب‌ها و به‌ویژه از همین نوع ترغیب می‌کنند. این گونه را هفته پیش در یک جزوه منتشر کردند، البته در میان جزوه‌های دیگر. تولید سم، تولید انواع بمب و چگونگی سرقت خودرو و تجهیز ماشین و انفجاری کردن ماشین و مسائل مختلف را آموزش می‌دهند. این محتواها به‌صورت بسیار فزاینده‌ای در فضاهای مجازی داعش درحال انتشار و در دسترس هستند.

در دو روز پس از این عملیات و حتی پس از پذیرش مسئولیت آن از سوی داعش، باز هم گمانه‌هایی مبنی بر مشترک بودن این عملیات طرح شد. چقدر احتمال دارد که این عملیات بین داعش و سرویس‌های دیگر مثل آمریکا یا رژیم صهیونیستی مشترک باشد؟

احتمالش وجود دارد. من چون تاریخ خوانده‌ام خیلی سند محورم. وقتی سند نباشد نمی‌توانم اظهارنظر کنم. منطق تحلیل من اینطور است که اگر یک موقع اسنادی ارائه شود و شما را توجیه کند، دیگر نیازی نیست عامل دیگری را دخیل بدانید. یک موقع منطق خوب چیده نمی‌شود و احتمال می‌دهید گروه دیگری هم در این قضیه دخیل باشد. البته در این عملیات شک و شبهه زیاد است، مثلا یک موضوع «من المستفید» است، یعنی چه کسی از این کار بهره می‌برد؟ من در یک گروه تلگرامی نوشتم که پایه همین موضوع بسیار لرزان است. اینکه ایران، اسرائیل و آمریکا یا هر سه از این استفاده می‌کنند، یک بحث تحلیلی مبتنی بر سند نیست. شما چه سندی دارید که از این مساله اسرائیل استفاده می‌کند یا آمریکا یا ایران؟ دلایل مختلفی وجود دارد اما دلایلی هم وجود دارد که آن را خنثی می‌کند. مهم‌ترین طرف خود داعش است و منطقش هم عملی است. من حضور دیگران را نفی نمی‌کنم ولی الان می‌بینیم که داعش سلسله عملیاتی را تحت‌عنوان «واقتلوهم حیث ثقفتموهم» مطرح کرده است. داعش سه‌روز هیچ خبری منتشر نکرد. این خیلی معنا دارد. داعش اینطور نیست که منتظر بماند یا خبر ندهد. زندگی‌اش با این خبرهای روزانه می‌گذرد. سه‌روز خبر نداد تا رسید به روز پنجشنبه و گفت که قرار است بیانیه‌ای بدهد. بیانیه خیلی مهمی داد؛ بیانیه‌ای انگیزشی و بسیار حماسی و ادبی و پرطمطراق. بعد از آن می‌بینید که ۲۷ خبر سریع تحت‌عنوان «واقتلوهم حیث ثقفتموهم» منتشر می‌شود و در آن از یک‌سری عملیات از فیلیپین گرفته تا نیجریه و کنگو، چند عملیات در عراق و چند نمونه در نیجریه و سوریه خبر می‌دهد. اینها همه در گفتمان جدید «واقتلوهم حیث ثقفتموهم» جا می‌گیرد.

در بیانیه صوتی داعش، همه قدرت‌ها دارند مشروعیت‌زدایی می‌شوند. از ایران و هم‌پیمانانش گرفته تا حاکمان جهان عرب تا غرب و آمریکا و یهود همه اینها دارند مشروعیت‌زدایی می‌شوند، یعنی از نظر گفتمانی داعش با هیچ قدرت محلی یا بین‌المللی به‌لحاظ گفتمانی سازش نکرده است. در سوریه می‌بینید اولویتی برای برخی کشورها شکل می‌گیرد که الان بشار اسد می‌خواهد برود برای همین ما بیاییم سوریه را پر از سلاح و پول کنیم. البته این سلاح و پول مستقیم به سمت داعش نمی‌رفت ولی بالاخره بیم این می‌رفت که اگر داعش در برخی مناطق دست بالا را داشته باشد، به این سلاح‌ها دست پیدا می‌کرد، یعنی بالاخره تغییر اولویت‌ها یا تحول اولویت‌ها به‌لحاظ زمانی و مکانی امکان دارد به این مساله دامن بزند ولی چطور و با چه سازوکاری؟ مثلا اینکه از خط داعش سوءاستفاده کنی و در آن خط یک پروژه شست‌وشوی مغزی انجام دهید و چند نفر را آماده کاری کنید. بله ولی مساله اصلی همان ایدئولوژی است. اگر ایدئولوژی نباشد، چنین چیزی رخ نمی‌دهد. این ایدئولوژی اینقدر ظرفیت دارد که تبدیل به یک برند شود و شما می‌توانید از فیک آن استفاده کنید. به نظرم این خیلی مهم است. این گفتمان آنقدر مهم است که تبدیل به یک برند شده و شما می‌توانید از فیک آن استفاده کنید. این در مدل عملیات حمله «گرگ تنها» بیشتر رخ می‌دهد و اینجا هم امکانش هست ولی چند و چونش مشخص نیست [حمله گرگ تنها، نوعی خاص از کشتار جمعی است که در یک محیط عمومی توسط فردی انجام می‌شود که خودش برنامه‌ریزی می‌کند و این عمل را انجام می‌دهد.]

شما فکر می‌کنید آینده چه اتفاقی می‌افتد؟ این اقدامات تروریستی ادامه پیدا می‌کند؟ آیا همچنان باید از شرق نگرانی بیشتری داشته باشیم؟

بله، من دو یادداشت درباره عملیات شاهچراغ نوشتم. تکرار کردم که نگران حوزه فارسی‌زبان باشید، با توجه به اینکه متولی زبان فارسی ایران است یا ایران خودش را متولی زبان فارسی می‌داند، خیلی بد است که داعش در این حوزه می‌تواند تحرکاتی داشته باشد، یعنی حوزه‌ای که شما می‌توانید در آن تاثیرگذار باشید ولی انگار تمرکزی روی آن ندارید، البته تمرکزهایی شکل گرفته ولی خیلی جدی نیست.

در افغانستان به‌نظر می‌رسد طالبان در تقابل با داعش به توفیق‌های زیادی دست پیدا کرده است. عملیات‌هایی که در ابتدای تسلط طالبان از سوی داعش داشتیم، خیلی کمتر شده است. آیا اینها صرفا یک جور استراتژی است که داعش انجام می‌دهد؟ فکر نمی‌کنم. به‌نظر طالبان توانسته مساله را کنترل کند. این می‌تواند از یک جهت خوب باشد و نشان دهد داعش ضعیف است اما از یک جهت می‌تواند خطرناک‌تر باشد، یعنی حالا که داعشی‌ها نمی‌توانند در افغانستان عملیات کنند، افغانستان را دور بزنند و سمت ایران بیایند. در عملیات کرمان عاملان هنوز مشخص نیستند و هنوز مشخص نشده چه ملیتی دارند ولی این خطر هم وجود دارد که طالبان بتواند وضعیت را کنترل کند و تروریست‌ها سرریز شوند و سمت ایران بیایند.

حالا که بحث به اینجا رسید خیلی مهم است که درباره تاجیکستان فکری جدی کنیم. ما خودمان کارهایی را شروع کرده‌ایم که برای این خطر بسیار مهم فکری شود. آیا آن سمت امامعلی رحمان حاضر است از این گفتمان پوپولیستی ضددینی عقب‌نشینی کند و با شکلی از اسلام رحمانی یا صوفیانه مبارزه نشود؟ اروپایی‌ها یک نگاه کلاسیک دارند. آنها برای مقابله با افراط‌گرایی سلفی در مناطق مختلف جهان تصوف را تقویت می‌کنند. آیا می‌توان آدم تندی مثل رحمان را که هر گونه دین‌داری را نفی و سرکوب می‌کند، راضی کرد تا مقداری تعدیل شود یا تحرکاتی شکل بگیرد و نگاه صوفیانه- در تاجیکستان که ریشه‌دار است- بتواند تا حدی سوپاپ اطمینان ایجاد کند. بالاخره باید برای این مساله فکری کرد.

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY